

عناصر و نوشته‌های پیش‌گویانه در عهد عتیق

حسین کلباسی اشتری*

چکیده

بررسی زمینه‌ها و خاستگاه ظهور مجموعه‌ای از نوشته‌های کتاب مقدس، موسوم به «نوشته‌های پیش‌گویانه» یا «مکاشفه‌ای» و نقش آنها در تکوین هویت تاریخی، قومی و ملی دو سنت یهودی و مسیحی، گذشته از اهمیت علمی و تخصصی ویژه خود، در فهم روح و جوهره باورهای دینی و اسطوره‌ای غرب معاصر بسیار مدد می‌رساند. این نوشته‌ها نمایانگر هیاتی مرکب از عناصر اجتماعی، سیاسی و عینی عصر نگارش خود و همچنین عناصری از باورهای دینی - کلامی و اسطوره‌ای هستند که به نحو خاصی با یکدیگر ترکیب گردیده و به منزله سندی درباره گذشته روحی و معنوی دو سنت دینی یاد شده بشمار می‌روند. در این مقاله که به بررسی فشرده دو نوشته اصلی از نوشته‌های پیش‌گویانه عهد عتیق اختصاص دارد، مبادی و ساختار آنها تبیین گردیده و در ضمن آن مختصات اندیشه‌های منجی‌گرایانه و آخرالزمانی در کتاب مقدس نیز روشن شده است.

واژگان کلیدی: آپوکریفا، دانیال نبی، اشعیا نبی، منجی‌گرایی، موعود گرایی.

* دانشیار فلسفه در دانشگاه علامه طباطبائی

سرگذشت پرفراز و نشیب قوم یهود که در منابع تاریخی و دینی به «بنی اسرائیل» شهرت یافته‌اند، از موضوعاتی بوده که همواره مورد توجه و علاقه محققان و دین پژوهان قرار داشته و دارد. اگرچه پیشینه این قوم به بیش از سه هزار سال می‌رسد و پژوهش‌های گسترده‌ای درباره منابع دینی، اجتماعی و تاریخی یهودیت انجام گرفته است ولی هنوز پرسش‌های زیادی در زمینه حیات روحی و اجتماعی و قومی این سنت دینی و مختصات و ویژگی‌های ممیزه آنها باقی مانده است که پاسخ بدانها نیاز به پژوهش‌های افزون‌تری دارد.

از زمره پژوهش‌هایی که چندی است در محافل علمی و تحقیقاتی رونق پیدا کرده، بررسی و تأمل درباره مبادی و ساختار نوشته‌ها و رسائل «کتاب مقدس» بویژه در بخش «عهد عتیق» است که هم به لحاظ صوری و هم از جهت محتوا دیدگاه‌های مختلفی را برانگیخته است. در میان رسائل و مکتوبات «عهد عتیق»، نوشته‌هایی وجود دارد که مشتمل بر مضامین موعود گرایانه و ناظر به حوادث و رویدادهای آتی عالم است و از لحاظ سبک ادبی نیز متمایز از سایر نوشته‌های عهد عتیق می‌باشند.

اصطلاح «ادبیات مکاشفه‌ای»،^۱ عنوانی است که به این دسته از رسائل و نوشته‌ها اطلاق می‌گردد. این اصطلاح خود از واژه یونانی *apocalypsis* به معنای «آشکار گردیدن» یا «پرده برداری از چیزی» اخذ شده و بدین ترتیب نوشته یا اثر مکاشفه‌ای، متضمن ادعای ظهور اموری است که اکنون پوشیده و مکتوم است ولی در آینده آشکار خواهد شد. می‌توان گفت در بسیاری از آئین‌ها و فرهنگ‌های بشری - اعم از دینی و غیردینی - قرآینی از این سنخ ادبیات را می‌توان تشخیص داد، ولی به طور مشخص در میان ادیان ابراهیمی، نوشته‌های مکاشفه‌ای مربوط به سنت یهود هم به لحاظ عدد و هم از جهت کیفیت از بقیه سنت‌ها و موارد مشابه متمایز گردیده که نگارش آنها زماناً به دوره‌ای از حدود ۲۵۰ قبل از میلاد تا ۱۰۰ میلادی تعلق دارد و به لحاظ موضوع با

¹ - Apocalyptic Literature

پایان یافتن نظم کنونی عالم و ظهور عالم بعدی مرتبط می‌گردند.

به لحاظ ساختاری، در حالی که انبیای بنی اسرائیل در عهد عتیق عمدتاً در مقام موعظه و بیان احکام دینی و درگیر مسائل و موضوعات جاری زمان و مخاطبان عصر خود بوده‌اند، اما نویسندگان مکتوبات مکاشفه‌ای عمده توجه خود را به «تقدیر و پایان امور عالم» و حوادث آینده معطوف داشته‌اند. می‌توان گفت محتوا و نیز رشد و گسترش این نوع ادبیات در میان قوم یهود، ریشه در تاریخ کشمکش‌های دامنه‌دار بنی اسرائیل با سایر اقوام و جوامع داشته و بر این نکته تأکید می‌کرده که اتکای صرف بر قدرت نظامی نمی‌تواند آرمان قوم را برآورده سازد. شواهد نشان می‌دهد به همان اندازه که بنی اسرائیل در طول تاریخ خود مغلوب قدرت‌های مسلط واقع می‌شد، توجه به دخالت اراده و مشیت الهی در تغییر وضعیت قوم تشدید می‌گردید؛ بدین صورت که اعتقاد به این امر افزون می‌شد که سرانجام خداوند در امور عالم مداخله کرده، دشمنان بنی اسرائیل را نابود و پادشاهی خود را بر روی زمین استوار می‌سازد. به عقیده برخی از محققان، شکل‌گیری ادبیات مکاشفه‌ای علل دیگری داشته و از زمره آن واکنش گروهی از روحانیون یهود بوده که علیه گروه حاکم بر معبد اورشلیم (هیکل^۱) قیام کرده و اعتراض خود را در قالب همین نوشته‌ها و ادبیات ویژه آن بروز داده‌اند.

آغازین نوشته مکاشفه‌ای در عهد عتیق را باید منطقی‌اً کتاب *دانیال* بدانیم که احتمالاً در خلال اعمال محدودیت‌ها و آزارهای حاکم رومی سرزمین یهودیه، یعنی «آنتیوخوس اپیفانس» (۱۶۴-۱۷۵ ق.م) به ظهور رسیده و هدف از آن ایجاد و تقویت روحیه امید به رهایی قوم از ناملایمات و تحقق وعده الهی و تحول و تغییر وضعیت آنها بوده است،

۱. به لحاظ لغوی، واژه «هیکل» به معنای «ساختمان بلند» و اصطلاحاً به معنای معبد قدیمی بنی اسرائیل که به اعتقاد یهودیان محلی برای ذبح اسحاق (اسماعیل) بوده، می‌باشد علاوه بر اینها «هیکل» جایگاه اجتماع «سنهدرین» بزرگ و مرکز زیارت سالانه بوده است. (ر.ک به: مصاحب، دائرةالمعارف فارسی، ج ۲، ص ۳۳۷)

اما در عین حال نخستین تمایلات «موعودگرایانه»^۱ را می‌توان در نوشته‌های پیش‌گویانه عهد عتیق یعنی در کتاب‌های: یوئیل، باب ۲؛ اشعیا، باب ۶۵؛ عاموس، باب‌های ۹ و ۵؛ زکریا، باب‌های ۹ و ۱۴؛ حزقیال، باب‌های ۳۸ و ۳۹ و مانند اینها دانست، نوشته‌هایی که در آنها مکرراً به تحقق «روز خداوند»^۲ اشاره شده است.

آثار و نوشته‌های مکاشفه‌ای همچنین در بردارنده عناصری از «ادبیات حکمت آمیز»^۳ یهود و حتی نشان‌دهنده تأثیراتی از آئین‌ها و باورهای خارج از قلمرو قوم یهود، نظیر دین ایرانیان باستان می‌باشد. این نوشته‌ها تقریباً در تمامی موارد به نام قهرمانان گذشته اسرائیل نامیده شده‌اند زیرا به عقیده برخی از محققان تنها طریق محافظت از این نوشته‌ها پس از اعلام مکتوبات رسمی و قابل قبول عهد عتیق در حدود قرن سوم پیش از میلاد- یعنی همان موضوع اعلام کتاب‌های قانونی^۴- این بود که نوشته‌های مذکور به برخی چهره‌های شاخص زمان‌های دور بویژه قهرمانان و شخصیت‌های افسانه‌ای نسبت داده شدند. این نوشته‌ها اصطلاحاً به «آپوکریفا»^۵ یا «کتاب‌های قانونی ثانی» موسوم شدند، یعنی آثار و نوشته‌هایی که در مرتبه دوم اعتبار و حجیت قرار دارند ولی در عین حال به منزله سندی درباره روح دینی، قومی، و ملی یهود شناخته می‌شوند.

مهمترین نوشته‌های مکاشفه‌ای یهود در مجموعه «آپوکریفا» عبارتند از: اولین و دومین کتاب راخنوخ، مکاشفه باروک، چهارمین کتاب عزرا (استر دوم)، کتاب یوئیل، عروج، اشعیا، عهد، مشایخ دوازده‌گانه، مکاشفه ابراهیم و مکاشفه الیاس. قطعات اولین کتاب اخنوخ در میان «اسناد بحرالامیت»- یعنی همان مجموعه نوشته‌های

1- Messianism
2 - The day of the Lord
3 - Wisdom Literature
4 - Canon
5 - Apocrypha

مهمی که در قرن بیستم در حوالی رود اردن در ناحیه «قمران» کشف گردید - قرار دارند. ویژگی این گروه از نوشته‌ها در سنت یهودی امید سرشار از حرارت نسبت به آزادی فراروی قوم و پایان یافتن دوره باصطلاح مشحون از رنج و احساس حقارت ملی است. می‌توان گفت در این نوشته‌ها صورتی از ادبیات «فرجام‌گرایانه»^۱ حضور دارد و همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، معمولاً با عنوان قهرمانان و اساطیر و به عبارتی دیگر با نام مستعار تعیین یافته است. به همین ترتیب، آثار و عناصر مکاشفه‌ای و پیش‌گویانه در عهد جدید نیز دیده می‌شود که در این میان مهم‌ترین این آثار در سنت مسیحی عبارتند از کتاب مکاشفه یوحنا و اثر غیررسمی^۲ «مکاشفه پطروس»؛ هرچند باب سیزدهم از انجیل مرقس غالباً به عنوان «رساله مکاشفه کوچک» شهرت یافته است.

می‌توان گفت وجه مشترک تمامی این نوشته‌ها چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید عبارت است از پیش‌بینی رویدادهایی که در آخرالزمان واقع خواهد شد و طبعاً احوالات و ویژگی‌های گروه‌های غالب و مغلوب که در آنروز به اراده الهی از یکدیگر متمایز شده‌اند، توصیف گردیده است. برای این منظور لحن و ادبیات این نوشته‌ها کاملاً جنبه پیش‌گویانه و نبوی داشته و در اغلب موارد از مجاز و استعاره و تشبیه و تمثیل بهره گرفته شده است. برای نمونه در کتاب دوم/اخنوخ تمامی رویدادهایی که در آخرالزمان واقع می‌شود تحت هدایت و الهام فرشته‌ای از آسمان هفتم با کلمات و عباراتی رمزگونه بر زبان روایت کننده جاری می‌شود.

اما از میان این نوشته‌ها دو رساله «اشعیای نبی» و «دانیال نبی» از ویژگی‌های خاصی برخوردارند، به گونه‌ای که در هنگام بحث از موضوعاتی همچون «منجی‌گرایی»، «موعودگرایی» یا «رستاخیز شناسی» یهود، این دو رساله در حکم رسائل مبنایی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و لذا در اینجا به بررسی ساختار و محتوای

¹ - eschatological

² - non- canonical

کلی آنها در محدوده گنجایش این نوشتار خواهیم پرداخت.

در طبقه‌بندی و ترتیب رایج در کتاب مقدس، «کتاب اشعیاى نبی»^۱ و «کتاب دانیال نبی»^۲ به ترتیب بیست‌وسومین و بیست‌وهفتمین کتاب از مجموعه سی‌ونه‌گانه اسفار و مکتوبات رسمی عهد عتیق^۳ می‌باشند. عهد عتیق، کتاب مقدس یهودیان، ساختار متنوع و پیچیده‌ای دارد که مشتمل بر مجموعه‌ای از گزارش‌های تاریخی مختصر و مطول به انضمام انبوهی از احکام و دستورات اخلاقی، دینی و اجتماعی است که در عین حال سند اصلی هویت دینی، تاریخی و قومی یهودیان نیز بشمار می‌رود. گفتنی است که عهد عتیق و نیز مجموعه فقهی، حقوقی و تفسیری یهودیان موسوم به تلمود^۴ در طول چندین قرن - قبل و بعد از میلاد مسیح - جمع‌آوری و تدوین گردیده و با پشت‌سر گذاردن فراز و نشیب‌های بسیار - از جمله تفکیک مکتوبات قانونی^۵ عهد عتیق از مکتوبات ثانوی^۶ (نوشته‌های منحول) - اکنون در دست پیروان این دین قرار دارد. در خصوص چگونگی جمع‌آوری نوشته‌ها و متون یادشده، اصالت بخش‌ها و قسمت‌های مختلف آن، ارزش مطالب و گزارش‌های مندرج در هریک از رسائل و بالاخره مطالعات انتقادی درباره محتوا، مضامین و شخصیت‌های دخیل در تکوین مجموعه مذکور، کتاب‌ها و آثار متعددی از قدیم‌الایام تا روزگار معاصر نگاشته شده است. با توجه به محدودیت موضوعی این نوشتار و به منظور ارائه تصویری دقیق‌تر از پیش‌زمینه‌ها و خاستگاه‌های تدوین و ظهور کتاب‌های «اشعیا» و «دانیال» - و دیگر رساله‌های هم‌محتوا -، نگاهی ولو اجمالی به احوالات تاریخی قوم یهود که ضمناً عوامل و موجبات نگارش این‌گونه مکتوبات را نیز فراهم آورده است، ضرورت دارد.

1. *Book of Isaiah*
2. *Book of Daniel*
3. *Old Testament (O.T)*
4. *Talmud*
5. *Canon*
6. *Apocrypha*

پژوهش‌های تاریخی مربوط به کتاب مقدس و مطالعات انتقادی درباره آنها نشان می‌دهند که عهد عتیق ابتدا براساس روایات شفاهی و پس از آن به هنگام استقرار و تشکیل دولت یهودیان در اورشلیم - قرن دهم ق.م - به صورت مکتوب درآمد و در دوره‌ای که بنی‌اسرائیل پس از بازگشت از اسارت بابل (قرن ششم ق.م) در سرزمین فلسطین و در شهر اورشلیم به بازسازی و تجدید بنای معبد خود و مرمت حصارهای شهر مشغول گردیدند، شخصی به نام «عزرا»^۱ ملقب به «کاتب و کاهن»، مجدداً به جمع‌آوری و تدوین شریعت (تورات) اقدام نموده^۲، (نحمیا: ۱/۸-۵). متناسب با موقعیت جدید یهودیان در فلسطین (سرزمین یهودا)، قوانین و شرایعی را برای یهودیان مکتوب می‌سازد. (همان: ۵/۸-۱۰) گفته شده که فعالیت‌های عزرای کاهن و کاتب، اساس و جوهره ساختار دینی - اعتقادی و سازمان قومی - اجتماعی یهودیان قرار گرفته و آنچه امروزه به نام «یهودیت کلاسیک» عنوان می‌گردد، تا حدود زیادی ریشه در فعالیت‌های دینی و اجتماعی عزرا و همچنین «نحمیا»^۳ می‌کند. تذکر توجه به این مطلب ضروری است که واژه‌های «یهود» و «یهودیت» از زمره واژه‌های جدید و متأخرند و نخستین واژه‌های معرف قوم عبارت بودند از «عبرانیان» و «بنی‌اسرائیل»، که واژه نخست احتمالاً مأخوذ از واژه «عبر» به معنی «عبورکنندگان» (از سرزمین مصر به سمت کنعان یا رود اردن) است و دومی به فرزندان یعقوب بن ابراهیم (ع) اطلاق می‌گردد، یعقوبی که مطابق گزارش عهد عتیق، پس از ظفر بر خداوند یا فرشته او ملقب به لقب «اسرائیل» می‌شود. (پیدایش: ۲۵/۳۲-۲۹)

استعمال واژه «اسرائیل» در عهد عتیق بسیار گسترده است ولی در تمامی موارد به کار رفته، به یک معنا نیست، درعین حال دو معنای مشخصی که از این واژه افاده

1. Ezra

۲. در نوشتار حاضر، ارجاعاتی همانند این، معرف فقراتی خاص از کتاب مقدس می‌باشد و برای نمونه معنای این ارجاع چنین است: (کتاب نحمیا، باب هشتم، آیات ۱ تا ۵)

3. Nehmiah

می‌شوند عبارتند از: «قومی معین» و «دینی مشخص». بدین ترتیب دو عنوان قرین یکدیگر می‌گردند: قوم اسرائیل و دین اسرائیل. در مورد مفهوم «قوم اسرائیل» باید گفت که از منظر منابع تاریخی یهود، پس از دوران پادشاهی داود و سلیمان نبی(ع)، جانشینان آنها نتوانستند وحدت اجتماعی قوم خود را حفظ کنند و در نتیجه در حدود سال ۷۲۰ قبل از میلاد، سرزمین فلسطین در اثر تهدیدات دولت «آشور» به دو کشور «اسرائیل» در شمال و «یهودا» در جنوب تقسیم می‌شود. سپس بخش شمالی به اشغال آشوریان درآمده و ده سبط بنی‌اسرائیل که در آن ساکن بودند، در اقوام و طوایف دیگر پراکنده می‌شوند. در این میان تنها کشور یهودا- که فقط دو سبط «بنیامین» و «یهودا» را در خود جای داده و نام خود را نیز از آنها اخذ کرده- باقی می‌مانند. این دو سبط نیز در جریان تهاجم دولت «بابل» متلاشی شده و گروهی از آنان به اسارت برده می‌شوند. پس از بازگشت اسیران به وطن، توجه به عنصر قومیت شدت می‌گیرد و واژه جدیدی ظهور می‌کند که هم معرف هویت قومی و هم شاخص هویت دینی آنان است. این واژه جدید «یهودیت» و «یهودی» است که از واژه «یهودا» گرفته شده و همان‌گونه که می‌دانیم نام یکی از اسباط و همچنین نام سرزمینی خاص بوده است.

در گذشته کلمه «یهودی» تنها برای افراد سبط یهودا به کار می‌رفت، اما بعد از اسارت بابلی این نام در مورد همه کسانی که از اسارت بازگشته بودند به کار رفت. پس از آن نیز این عنوان برای همه یهودیانی که در سراسر عالم پراکنده بودند به کار رفت و حتی به غیر یهودیانی که از اخلاف اسباط نبودند ولی به این دین می‌گرویدند نیز اطلاق می‌شد. واژه «عبرانیان» نیز عنوان دیگری است که در مورد این قوم به کار رفته و زبان مخصوص این دین یعنی «عبری» نیز مشتق از آن است. در کتاب *تورات* این واژه در مورد قوم حضرت ابراهیم(ع) مصداق دارد. (همان: ۱۳/۱۴) اما بعدها به تمامی بنی‌اسرائیل اطلاق گردید. (خروج: ۱/۹) اینک باید در نظر داشت که حجم قابل توجهی از عهد عتیق به گزارش شکل‌گیری، مهاجرت‌ها، جنگ‌ها و باورها و اعتقادات قوم یهود اختصاص یافته، به‌گونه‌ای که از مجموع ۳۹ رساله عهد عتیق، در بیش از سی رساله و

کتاب به نحو مستقیم یا غیرمستقیم بدین موضوعات پرداخته‌اند. این مطلب در مورد مضامین کتاب‌های قانونی ثانی نیز مصداق می‌یابد، بدین نحو که علاوه بر رسائل ۳۹ گانه رایج در عهد عتیق، ۷ رساله دیگر نیز به بیان تاریخ، عقاید و احکام و احوالات قوم یهود اختصاص یافته است که بدین ترتیب مجموعاً ۴۶ کتاب و رساله را تشکیل می‌دهند. گفتنی است که نزد دو مذهب از مذاهب مسیحیت یعنی «کاتولیک» و «ارتدوکس» کل مجموعه یادشده به عنوان متون مقدس مورد پذیرش واقع گردیده، در حالی که جمهور یهودیان و نیز پیروان مذهب «پروتستان» تنها همان ۳۹ رساله را به عنوان کتاب مقدس پذیرفته‌اند. در تقسیم‌بندی‌های رایج، فهرست کتاب‌های «قانونی»^۱ و «قانونی ثانی»^۲ در عهد عتیق به ترتیب زیر است:

کتاب‌های قانونی: پیدایش، خروج، لاویان، اعداد، تثنیه*، یوشع، داوران،

روت، اول سموئیل، دوم سموئیل، اول پادشاهان، دوم پادشاهان، اول

تواریخ ایام، دوم تواریخ ایام، عزرا، نحمیا، استر، ایوب، مزامیر، امثال

سلیمان، جامعه سلیمان، غزل غزل‌های سلیمان، اشعیا، ارمیا، مراثی ارمیا،

حزقیال، دانیال، هوشع، یوئیل، عاموس، عوبدیا، یونس، میکاه، ناحوم،

حبقوق، صنفیا، حجی، زکریا، ملاکی.

کتاب‌های قانونی ثانی: طوبیا، یهودیت، اول و دوم مکابیان، حکمت سلیمان، یسوع‌بن

سیرا، باروک، قطعانی از استر و دانیال.

1. Canon

2. Apocrypha

*- این و پنج رساله نخست، بخش بنیادین عهد عتیق و در واقع بخش‌های اصلی تورات نامیده شده است که معمولاً به حضرت موسی (ع) نسبت داده می‌شود، هر چند تحقیقات بعدی نشان می‌دهد که این مجموعه بدست نه یک تن، بلکه تعدادی از نویسندگان نگارش یافته است. عنوان *Pantateuch* (=سفار خمس) که متضمن معنایی مقدس است به این پنج رساله اختصاص یافته و به همین جهت صورت مکتوب آنها در کنیسه‌ها نگهداری می‌شود.

از میان فهرست کتاب‌های قانونی، پنج سفر تورات و دوازده کتاب تاریخی که موضوع اصلی‌شان تاریخ قوم اسرائیل است، حدود سه‌پنجم کل حجم این مجموعه را دربر می‌گیرد. علاوه بر این، دوازده کتاب دیگر نیز به نحو غیرمستقیم به تاریخ و سرگذشت این قوم اختصاص یافته است که عبارتند از: یوشع، داوران، روت، اول و دوم سموئیل، اول و دوم پادشاهان، اول و دوم تواریخ ایام، عزرا، نحمیا، استر. موضوع پنج کتاب از این مجموعه، حکمت و مناجات است که عبارتند از: ایوب، مزامیر، امثال سلیمان، جامعه سلیمان، غزل غزل‌های سلیمان.

اما موضوع اصلی دیگر نوشته‌های این مجموعه که با بحث حاضر ارتباط می‌یابد، «نبوت و پیش‌گویی» است که هفده کتاب از کتب و رسایل عهد عتیق بدین موضوع اختصاص دارد: اشعیا، ارمیا، مراثی ارمیا، حزقیال، دانیال، هوشع، یوئیل، عاموس، عوبدیا، یونس، میکاه، ناحوم، حبقوق، صفنیاء، حجی، زکریا و ملاکی. مجموعه اخیر به نام «کتب انبیاء» نیز شهرت یافته‌اند و به نوبه خود به دو قسمت تقسیم گردیده‌اند: «انبیای کبار» مانند اشعیا، ارمیا، حزقیال و دانیال و «انبیای صغار» مانند هوشع، عاموس، یونس، میکاه، ناحوم و زکریا.

گفتنی است مضامین و ادبیات «کتب قانونی ثانی» نیز غالباً پیش‌گویانه و مکاشفه‌ای است و هرچند مشتمل بر گذشته قوم یهود است، اما گویی متضمن نوعی «فلسفه تاریخ» است که پیروزی و غلبه نهایی این قوم را وعده می‌دهد.

در میان این کتب و رساله‌ها، دو کتاب اشعیا و دانیال به جهت دارا بودن بیشترین مضامین «موعودگرایانه» و برخوردارگی از وسیع‌ترین «ادبیات مکاشفه‌ای» از اهمیت خاصی برخوردارند، به گونه‌ای که سایر مکتوبات مکاشفه‌ای و موعودگرایانه در عهد عتیق مانند کتاب‌های ارمیا، حزقیال، هوشع و عاموس گویی بر مبنای الگوی اشعیا و دانیال نگاشته شده‌اند. بدین جهت در ابتدا گزارشی فشرده از مضامین دو کتاب یادشده و طبقه‌بندی مطالب آنها را عرضه کرده و در انتها به تحلیل و نقد محتوای آنها مشترکاً خواهیم پرداخت.

(۱)

«کتاب اشعیا»

درباره مصنف و ابواب کتاب:

باور عمومی بر آن است که کل کتاب اشعیا^۱ را متعلق به نویسنده‌ای به همین نام یعنی «اشعیای نبی»^۲ بدانند، اما درعین حال بنابر برخی دیدگاه‌های انتقادی^۳ جدید، گفته شده که این کتاب به قلم نه یک تن، بلکه چند نویسنده در زمان‌های مختلف نگاشته شده است. اگرچه اسناد و مدارک متقن و قطعی که مؤید دیدگاه انتقادی مذکور باشد، وجود ندارد و حتی در میان «اسناد بحرالامیت»^۴ نیز مدرکی در این باب یافت نشده، اما با بررسی و تحلیل مضامین کتاب این عقیده قوت گرفته که ابواب آن در شرایط تاریخی گوناگون و حتی با صورت‌های ادبی مختلف به رشته تحریر درآمده است. با این حال در ابتدای کتاب، مولف خود را «اشعیا فرزند آموص» معرفی کرده و به بیان رؤیای خویش درباره «یهودا» و «اورشلیم» در روزگار چهار تن از پادشاهان یهودا می‌پردازد. این کتاب از زمره مفصل‌ترین کتاب‌های عهد عتیق و مشتمل بر ۶۶ باب می‌باشد که هر باب به موضوعاتی معین درباره مضامین مذکور اختصاص یافته است. براین اساس معمولاً کل کتاب به سه بخش به ترتیب زیر تقسیم می‌شود:

۱) ابواب ۱ تا ۳۵: با ملاحظه رویدادها و حوادثی که در این قسمت توصیف شده می‌توان پی برد که زمان وقوع آنها به نیمه دوم قرن هشتم ق.م باز می‌گردد و عمده فقرات «پیش‌گویانه»^۵ (مکاشفه‌ای) این بخش به شرایط دشوار یهودیان در مقابله با فشار

1. *Book of Isaiah*

2. *Isaiah*

3. *Dead Sea Scrolls*

4. برای نمونه بنگرید به:

Seholem, G. *The Messianic in Judaism*, New York, Schocken, 1971, Chr. IV

5. *apocalyptic*

دولت آشور بویژه در فاصله سال‌های ۷۴۰ تا ۷۰۰ ق.م. مربوط می‌شود. در اینجاست که فعالیت‌ها و سخنان پیش‌گویانه اصطلاحاً «اشعیای نخست»^۱ ظاهر می‌شود، یعنی همان کس که در اورشلیم ساکن بود و تهدید و حمله آشوریان علیه کشور یهودا را پیش‌بینی و تفسیر کرده بود.

در همین زمان اتحاد به اصطلاح «آشوری-افرائیمی» علیه یهودا در سال ۷۳۵ ق.م. زمینه را برای نبوت چهره‌ای به نام «عمانوئیل»^۲ فراهم می‌سازد^۳ و غالب محققان برآنند که آیات ۲ تا ۹ از باب نخست کتاب اشعیاء ناظر به وقایع زمان تجاوز «سنحاریب» آشوری در سال ۷۰۱ ق.م. به سرزمین یهوداست^۴. در میان ابواب این بخش، فقراتی وجود دارد که از دیدگاه محققان نمی‌توانند به اشعیاء تعلق داشته باشند مانند «غزلی علیه بابل» که در ۱/۱۳ و ۲۳/۱۴ آمده است، و نیز پیش‌گویی سقوط «آدوم» و پیروزی «قوم خداوند» که به نظر می‌رسد تمامی این نمونه‌ها به زمانی بعد از زمان اشعیاء مربوط باشد. بدین ترتیب بخش‌هایی که منطقاً می‌توان آنها را به اشعیاء نسبت داد عبارتند از: بخش اعظم ابواب ۱ تا ۱۲، ۱۶ تا ۲۲ و ۲۸ تا ۳۲.

(۲) ابواب ۳۶ تا ۳۹: گفته می‌شود که این بخش از کتاب با اقتباسی از کتاب دوم پادشاهان (۱۳/۱۸ و ۱۹/۲۰) و افزودن قطعه‌ای با عنوان «غزل حزقیا» پادشاه یهود (اشعیاء، ۲۰-۱۰/۳۸) تکوین یافته است.

(۳) ابواب ۴۰ تا ۶۶: با ملاحظه محتوای این ابواب می‌توان زمان نگارش آنها را مؤخر از زمان نگارش ابواب پیشین دانست و نویسنده آنها باید با عنوان قرن نوزدهمی «اشعیای ثانی»^۵ فرض کرد. عنوان اخیر ظاهراً نام پیامبر ناشناخته‌ای است که در دوره

1. First Isaiah

2. Immanuel

۳. مقایسه کنید با: متی، ۲۲/۱

۴. مقایسه کنید با: دوم پادشاهان، ۱۳/۱۸؛ ۳۴/۱۹

5. Deutero- Isaiah

تبعید بابلی شاهد حوادث و رویدادهای مربوط به این دوره است ولی درعین حال در متن، به طور مشخص به هویت واقعی او پرداخته نمی‌شود. این شخص فروپاشی بابل و پیروزی کوروش پادشاه فارس را بر آنان در ۵۳۹ ق.م پیش‌بینی و مشاهده می‌کند.^۱ اخیراً محققان به تقسیم‌بندی فرعی داخل این ابواب دست زدند، بدین ترتیب که ابواب ۴۰ تا ۵۵ را به «اشعیای ثانی» و ابواب ۵۶ تا ۶۶ که به موضوع «تجدید بنای معبد» پرداخته و برآن تأکید شده را به نویسندگان یا نویسندگان بعدی با عنوان مفروض «اشعیای ثالث»^۲ نسبت می‌دهند. بنابر این، می‌توان گفت محتوای ابواب اخیر بر محور بازسازی معبد و امورات و مقتضیات آن استوار است.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که موضوع اصلی و مشترک ابواب ۴۰ تا ۶۶ همانا «نجات بنی اسرائیل» و مأموریت و رسالت این قوم در بُعد جهانی است، با این تفاوت که هدف ابواب ۴۰ تا ۵۵، دادن امید به یهودیان تبعید شده در جهت ساختن آینده‌ای بهتر و هدف ابواب ۵۵ تا ۶۶، ارائه گزارشی ظاهراً مستند از وقایع پس از ۵۲۰ ق.م است. ابواب اخیر از وحدت صوری کمتری نسبت به ابواب قبلی (۴۰ تا ۵۵) برخوردارند و مشتمل بر توصیف برخی از الهامات و پیش‌گویی‌ها هستند (مثلاً ابواب ۶۰ تا ۶۲). ضمناً در خلال ابواب ۵۸ تا ۵۹، رفتار و سلوک اعضای بازگشته از تبعید قویاً مورد نکوهش قرار گرفته و حتی به نظر می‌رسد گوینده (احتمالاً «اشعیای ثانی») حتی به جریان بازسازی معبد نیز اعتراض و انتقاد داشته باشد.

اگرچه در اینجا از تمایز میان چند تن با نام «اشعیای» به عنوان نویسندگان کتاب یاد گردید، ولی درعین حال وجود نوعی وحدت کلامی - الهیاتی در کل کتاب و روح واحد حاکم بر مضامین آن، عقیده نگارش تمامی اثر بدست یک تن را قوت می‌بخشد به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، محققان با نظر به ویژگی‌های ادبی و دینی کتاب به

۱. بنگرید به: اشعیاء، ۲۸/۴۴؛ ۱/۴۵

2. Third Isaiah

وجود نویسنده‌ای واحد در پدید آمدن آن گرایش یافته‌اند، حتی با این قید که چنانچه کتاب توسط چند تن نویسنده پدید آمده باشد ولی نویسنده‌ای واحد به محصول کار آنها هیات تألیفی واحدی بخشیده است. با وجود این حتی در میان محققان سنتی عالم مسیحیت، هستند کسانی که می‌گویند اعتقاد به وحدت نگارنده (یا نگارندگان) کتاب بر مبنای دلایل جدلی و جزمی است. آن چنان که در عهد جدید نیز این معنا مسلم انگاشته شده است.^۱ این گروه اظهار می‌دارند که ابواب ۴۰ تا ۶۶ متضمن هسته اصلی و اصیل اثر «اشعیای تاریخی» است ولی در زمان‌های بعدی، پیروان و اخلاف او، مطالبی را بر آن افزودند و اکنون تا حدودی مرز میان اصل و حواشی مشخص شده است.

در یک تقسیم‌بندی دیگر می‌توان گفت ابواب ۱ تا ۳۹ مشتمل است بر شکوه و شکایت پیامبر از گناهان «یهودا و اورشلیم» (بویژه ابواب ۱ تا ۱۲) و لحن تند علیه مشایخ و رهبران قوم (بویژه ۱۵/۲۲-۲۵). همچنین درخصوص سرنوشت و فرجام اقوام و نیروهای خارجی پیش‌گویی‌هایی وجود دارد (بویژه ابواب ۱۳ تا ۲۳) و در مقابل، ضمن دادن امید به مخاطبان، شکوه و نجات آینده مورد تأکید قرار می‌گیرد. (بویژه ابواب ۲۴ تا ۳۵). بالأخره ابواب ۳۶ تا ۳۹ یک ضمیمه منشور است که احتمالاً بدست نویسنده‌ای غیر از اشعیاء نگاشته شده و متضمن توصیفی است از رابطه اشعیاء با «حزقیای» پادشاه، که این قسمت از کتاب برابر است با بخشی از کتاب دوم پادشاهان. (دوم پادشاهان: ۱۳/۱۸، ۱۹/۲۰)

همان‌گونه که گفته شده نگارش ابوابی از باب ۴۰ به بعد به نویسنده‌ای مفروض به نام «اشعیای ثانی» نسبت داده شده است. قسمت‌های مهم مربوط به این بخش عبارتند از: چهار «سروده‌های بنده (خادم) خداوند»^۲ که در فقرات ذیل آمده است: ۴-۱/۴۲؛ ۶-۱/۴۹؛ ۱۱-۴/۵۰؛ و بالأخره ۱۳/۵۲.

۱. مثلاً در: متی، ۳/۳؛ ۱۷/۱۲ و رومیان، ۲۰/۱۰.

۲. *Servant Songs*

پرسش محققان عمدتاً در خصوص تعیین مرجع ضمیر «بنده (خادم) خداوند» و این که آیا وی یک تن بوده یا بیشتر متمرکز شده است. آیا او یک شخص و مثلاً «ارمیای نبی» بوده است یا نه؟ آیا نویسنده نماینده گروه یا جمعیتی خاص بوده است؟ نزد برخی محققان مسیحی، ضمیر این گونه عبارات به شخص عیسی مسیح باز می‌گردد^۱ و بدین جهت این موضوع اسباب تمایز این بخش را از سایر بخش‌های کتاب فراهم آورده، گرچه واژه «خادم» در سایر بخش‌های کتاب/اشعیاء مانند: ۸/۴۱ و ۴/۴۵ نیز مورد اشاره قرار گرفته است. به هر روی، روح حاکم بر این عبارات بر این معنا دلالت دارد که بواسطه شکست‌ها و پیروزی‌هاست که وعده خداوند آشکار شده و تحقق می‌یابد.

در بخش‌هایی که تصور می‌رود متعلق به «اشعیای ثانی» باشد، علاوه بر سروده‌های «خادم خدا»، دو موضوع نبوت «عمانوئیل» (باب ۷) و بنا کردن «خانه داوود» (باب‌های ۹ و ۲۲) به دست اشعیاء مورد تأکید قرار گرفته است. هردوی موضوع اخیر علاوه بر مزمیر، در عهد جدید نیز انعکاس ویژه یافته است.

در مجموع می‌توان گفت که کل کتاب/اشعیاء بیان تفصیلی رؤیایها و الهامات نویسنده یا نویسندگان کتاب همراه با نوعی «ادبیات مکاشفه‌ای» است، بدین صورت که ضمن اظهار شکایت نسبت به عملکرد بنی‌اسرائیل و هشدار در مورد غضب و داوری خداوند، نجات و رهایی آنان از تنگناها و عذاب‌های گوناگون الهی در آینده وعده داده شده است. در باب یازدهم کتاب مشخصاً به ظهور «مسیحای قوم» با عنوان «نهالی از تنه یسی» (= فرزند داود) بشارت داده شده (اشعیاء: ۱/۱۱). و پس از آن طی چند باب متوالی، سقوط و اضمحلال قدرت‌های آن زمان مانند بابل، آشور، موآب، مصر، ادوم و عرب پیش‌گویی گردیده است. از باب پنجاه و یکم به بعد لحن و ادبیات متن به سمت تمجید و ستایش بنی‌اسرائیل و جلال و شکوه آتی آنها تغییر می‌کند و گویی آسمان و زمین جدیدی به ساکنان اورشلیم و سرزمین یهودا اهدا خواهد شد:

۱. مثلاً در: متی، ۲۱-۱۶/۱۲ و اول پطرس، ۲۴/۱-۲۵

«... زیرا خداوند می گوید: چنانکه آسمان‌های جدید و زمین جدیدی که من آنها را خواهم ساخت در حضور من پایدار خواهد ماند، همچنان ذریت شما و اسم شما پایدار خواهد ماند.» (همان: ۲۲/۶۶)

کتاب / شعیا و بدنبال آن کتاب / ارمیای نبی گویی به منظور تقویت روحیه قومی و ایجاد امید نسبت به آینده و جلوگیری از اضمحلال وحدت ملی یهودیان نگاشته شده و از اینرو از تمامی ظرفیت‌های ادبی همانند ادبیات مکاشفه‌ای، استعاره و کنایه و حتی غلو در توصیفات بهره می‌گیرد.

(۲)

«کتاب دانیال»

درباره مصنف و ابواب کتاب:

زمانی عقیده بر آن بود که کتاب دانیال در قرن ششم قبل از میلاد و به هنگام تبعید یهودیان در بابل (ح ۵۸۶ ق.م) نگاشته شده، ولی با تحقیقات گسترده‌ای که در قرون اخیر به عمل آمد، نادرستی این عقیده ثابت شد. نتیجه پژوهش‌های تاریخی نشان داد که زمان نگارش این کتاب به مراتب مؤخرتر از زمان تبعید بابلی و احتمالاً قرن دوم و یا سوم پیش از میلاد است. مهم‌ترین دلایل نتیجه‌گیری اخیر یکی مربوط به موقعیت این رساله در میان نوشته‌های قانونی^۱ کتاب مقدس است و دیگری به زبان نگارش این کتاب باز می‌گردد، بدین صورت که بخش‌هایی از کتاب به زبان آرامی^۲ - و نه عبری - و بخش‌هایی نیز به زبان یونانی^۳ نگاشته شده است. اجماع دیدگاه‌های انتقادی بر این عقیده است که این کتاب میان سال‌های ۱۶۷ تا ۱۶۴ ق.م نگاشته شده، با این هدف که خوانندگان یهودی خود را که در زمان حکومت فرمانروای رومی «آنتیوخوس اپیفانس»

^۱. Canon

^۲. بخش‌های ۴/۲ و ۱۸/۷

^۳. بویژه سه رساله که در ضمن کتاب دانیال و تنها در نسخه یونانی عهد عتیق یافت می‌شود.

(حکومت: ۱۷۵-۱۶۴ ق.م) تحت فشار و آزار بوده‌اند را بتوانند تسلا داده و امید به آینده‌ای روشن و ظفرمند را در دل آنان زنده نگهدارد. علاوه بر اینها، قراین حاکی از آن است که برخی فقرات- و احیاناً بخش‌ها- تدریجاً به هیأت اصلی کتاب اضافه شده و آنرا گسترش داده است، مانند استفاده از اصطلاح «پسر انسان»^۱ و یا مفهوم «فرشتگان واسطه» که حدّ میان قلمرو الهی و عالم انسانی قرار دارند، و بالاخره مفهوم «رستاخیز مردگان» که تمامی اینها به اضافه مواردی دیگر حکایت از توسعه تدریجی کتاب *دانیال* حتی در ادوار پس از میلاد مسیح می‌کند.

از سوی دیگر، در کتاب‌های *قانونی ثانی* به اسامی سه رساله برمی‌خوریم که همگی تنها در نسخه یونانی عهد عتیق در ضمن کتاب *دانیال* درج شده و اسامی آنها عبارتند از: *غزل سه کودک مقدس*^۲، *سرگذشت سوسن*^۳، *سرگذشت نابودی بل و اژدها*^۴، ولی در نسخه عبری عهد عتیق از این سه رساله خبری نیست. این تفاوت در دو نسخه موید آن است که رسالات مذکور اصالتاً به زبان یونانی و در زمانی موخر از خود کتاب *دانیال* به رشته تحریر درآمده است. گفتنی است در عهد جدید تنها یک فقره است که نقل قول مستقیم از «دانیال» شمرده می‌شود و در بقیه موارد به صورت غیر مستقیم به مضامین آن کتاب اشاره شده است.

در یک تقسیم‌بندی رایج، کتاب *دانیال* به دو بخش عمده- و هر بخش مشتمل بر شش باب- منقسم شده است که مضامین اصلی آنها عبارتند از:

۱- در نخستین باب به محاصره شهر اورشلیم توسط «نبوکد نصر» (بخت‌النصر) پادشاه بابل در زمان «یهویاقیم» پادشاه یهودا و اسارت گروهی از ساکنان شهر اشاره شده و این‌که در میان اسرا «دانیال» هم حضور دارد. سپس جریان امتناع دانیال و سه تن

۱. در: مرقس، ۱۴/۱۳

۲. *Song of the Tree Holy Children*

۳. *The History of Susanna*

۴. *The History of the Destruction of Bel and the Dragon*

همراهان او از خوردن گوشت ناپاک و شراب پادشاه نقل گردیده و بالاخره علم و حکمت دانیال و توانایی او در تعبیر خواب مورد تاکید قرار گرفته است. در باب دوم، موفقیت دانیال در تعبیر خواب پادشاه بابل و شگفتی او از تعبیر صحیح دانیال شرح داده شده و در باب سوم استخلاص معجزه‌آسای دانیال و سه تن همراهان او از آتش تنوری که نبوکد نصر برافروخته است نقل گردیده است. در باب چهارم جریان رؤیای دوم پادشاه، تعبیر صحیح دانیال و اعتراف پادشاه به حقانیت خدای واحد ذکر گردیده است. در باب پنجم حکایت معجزه نوشته شدن کلماتی بر روی دیوار در مجلس شراب‌خواری «بلشصر» نواده «نبوکد نصر» و بیان معنای آن کلمات توسط دانیال شرح داده شده و بالاخره در باب ششم، جریان افکندن دانیال به «چاه شیران» توسط «داریوش مادی» و نجات معجزه‌آسای دانیال از چاه و نهایتاً تمکین و اعتراف داریوش به دین و خدای دانیال توضیح داده شده است.

۲- از باب ششم به بعد جزئیات مجموعه‌ای از رؤیاها که برای دانیال در زمان حکومت‌های «بلشصر» بابلی (باب‌های ۷ و ۸) «داریوش» مادی (باب ۹) و «کوروش» (باب‌های ۱۰ تا ۱۲) دست داده، بازگو گردیده و از طریق آن آینده حکومت یهودیان پیش‌بینی می‌گردد. در ضمن باب نهم وعده نجات بنی‌اسرائیل و آمدن «مسیحا» به نحو روشن و صریح مطرح شده و بالاخره در باب دوازدهم اوصافی از احوالات آخرالزمانی موافق سنت یهود عنوان گردیده است. می‌توان گفت بسیاری از فقرات ابواب ششم تا دوازدهم واجد «ادبیات مکاشفه‌ای» و مضامین پیش‌گویانه است و از این‌رو در میان رسائل عهد عتیق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اضافه کنیم که مسیحیان به تبعیت از تقسیم‌بندی‌های سنتی، این کتاب را پس از نوشته‌های مربوط به «انبیای بزرگ» قرار دادند، اما در نسخه «انجیل عبرانی»، کتاب *دانیال* در زمره *مکتوبات*، یعنی در ضمن نوشته‌های انبیای بزرگ منظور گردیده است.

تحلیل و نقد محتوا

پیش از پرداختن به تحلیل و نقد محتوای دو کتاب «اشعیاء» و «دانیال»، یادآوری چگونگی تکوین کتاب مقدس در بخش عهد عتیق ضرورت دارد. گفتنی است جریان تدوین و شکل‌گیری رسائل و مکتوبات عهد عتیق خود به تنهایی موضوع پژوهش‌های دامنه‌داری قرار داشته و دارد. تخمین زده می‌شود که این مجموعه در فاصله نُه قرن، یعنی از حدود قرن یازدهم تا دوم قبل از میلاد تدریجاً به نگارش درآمده و با پشت‌سرگذاشتن تحولات گوناگون صوری و محتوایی، در اواخر قرن نخست میلادی در شورای یهودیان در شهر «یاونه» (یبנה) به هیأت امروزی آن مورد تصویب نهایی علمای یهود قرار گرفته است. از میان حوادث و رویدادهای مربوط به تدوین و نگارش رسائل عهد عتیق، دو واقعه از اهمیت بیشتری برخوردار است: یکی نگارش مجدد تورات به دست «عزرا» در حدود قرن ششم قبل از میلاد و دیگری ترجمه تورات از زبان عبری به یونانی (ترجمه سبعینیه^۱) توسط هفتاد تن از علمای یهود در شهر اسکندریه در قرن سوم پیش از میلاد. در خصوص نگارش تورات به دست «عزرای کاهن و کاتب» به طور مختصر اشاره کنیم که بنا بر روایت مورخان، در سال ۵۸۴ ق.م پادشاه بابل «نبوکد نصر» (بخت‌النصر) دست به محاصره اورشلیم، مرکز مملکت یهودا زد و در سال ۵۸۶ ق.م ضمن تخریب شهر و بنای معبد سلیمان (هیکل) گروهی از اهالی شهر را به همراه بسیاری از کاهنان و صنعت‌گران به عنوان اسیر به بابل منتقل کرد. (دانیال: ۱) چند سال بعد، یعنی در سال ۵۸۲ ق.م بار دیگر سپاهیان بابل (کلده) به مملکت یهودا هجوم برده و در نتیجه این هجوم، استقلال یهودیه کاملاً از میان می‌رود. حدود نیم قرن بعد، یعنی در سال ۵۳۸ ق.م که کوروش هخامنشی پادشاه ایران به فتح بابل دست می‌زند، یهودیان اسیر در بابل امکان بازگشت به سرزمین خود را می‌یابند و بنابه گزارش عهد عتیق، در این زمان است که بزرگانی از یهود بویژه دو تن یعنی

^۱. Septuagint

«حجی» و «زکریا» به همراه گروهی از یهودیان عازم اورشلیم شده و با هدایت شخصی به نام «زروبابل»^۱ دست به تجدید بنای معبد زده، مراسم و آیین‌های دینی خود را در آن مکان برگزار می‌کنند. (زکریا: ۱۰/۴-۱۱؛ عزرا: ۳-۱/۴) ظاهراً شخص اخیر از نوادگان پادشاه یهود بوده که پس از اقامت کوتاهی در بیت‌المقدس مجدداً به ایران بازگشته و همانجا مستقر می‌شود. سال‌ها بعد یعنی در اواسط قرن پنجم ق.م گروه دیگری از یهودیان که در میان آنها «نحمیا» و «عزرای کاهن» حضور داشته‌اند، با حمایت پادشاه وقت ایران به اورشلیم عزیمت کرده و ماموریت تکمیل بنای معبد بدانان واگذار می‌شود. (عزرا: ۱) همین عزرا است که در این مقطع نقش موثر و کلیدی خود را به عنوان کاتب شریعت^۲ (= تورات) ایفا می‌کند:

«و این است صورت مکتوبی که پادشاه (هخامنشی) به عزرای کاهن و کاتب داد که کاتب کلمات وصایای خداوند و فرایض او بر اسرائیل بود...»
(همان: ۱۲/۷، ۲۵/۷-۲۶)

در این نامه، پادشاه فارس^۳ به عزرای کاهن ماموریت می‌دهد که به همراه تعدادی از بنی اسرائیل - به ویژه اعضای طایفه لاویان - به اورشلیم بازگشته و درباره اوضاع و احوال سرزمین یهودا تحقیق کنند. این بازگشت، منشاء تحول مهمی همچون نگارش مجدد تورات - و برخی نوشته‌های دیگر - می‌گردد و یهودیان نیز به روایت عزرا از تورات تمکین کرده و آنرا می‌پذیرند، (نحمیا: ۱/۸-۱۰) زیرا از نظر آنان، «عزرا» از نسب کاهنان (لاویان) و اخلاف «هارون» و همچنین «زروبابل» نیز از نسل داود و اسباط یهودا بوده‌اند.^۴ اما پس از بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین، ایجاد حکومت واحد و برقراری دولت مقتدر تنها به صورت یک آرزو و رویای قومی باقی می‌ماند، خصوصاً

^۱. Zerubbabel

^۲. Ezra, the Scribe

^۳ منظور «اردشیر اول» (۴۶۴-۴۲۴ ق.م) فرزند و جانشین «خشایار شاه» است.

^۴. اول تواریخ ایام، ۱۵/۶ و ۱۹/۳

به جهت این که قدرت‌های آن روزگار، بویژه امپراتوری روم دامنه سلطه خود را به سرزمین فلسطین هم گسترش داده و مانع تحقق خواسته قومی آنها می‌گردد. در عین حال، دوره‌ای که این منطقه تحت نفوذ سیاسی و فرهنگی رومی‌ها قرار داشته، اهمیت زیادی در تاریخ قوم یهود به نحو خاص و تاریخ تحولات جهانی به نحو عام دارد. توسعه فرهنگ یونانی مآب در آن سرزمین به قدری بود که بسیاری از ساختارهای فکری، فرهنگی، قومی و حتی دینی یهودیت را تحت تاثیر قرار داده، زمینه ترجمه متن تورات را از زبان اصلی به زبان یونانی فراهم آورد. این واقعه - یعنی ترجمه تورات به یونانی - را نباید واقعه‌ای عادی تلقی کرد، زیرا جامعه بسته و فرهنگ سنتی قوم یهود به آسانی نمی‌توانست پذیرای تغییر و تحول، آن‌هم از ناحیه عوامل خارجی و بیگانه باشد ولی به هر روی، تغییرات حاصله در عرصه‌های گوناگون سنت یهودی تا اعماق اعتقادات و باورهای دینی آنها نفوذ کرد، ولی با وجود تمامی این تحولات، آرمان تجدید دولت واحد و برقراری پادشاهی یهود همچنان به منزله آرمان قومی آنان باقی ماند و در قالب نوشته‌هایی با مفاهیم «منجی‌گرایانه»^۱ و همراه با اندیشه‌های موعودگرایانه در همین مقطع زمانی - یعنی از حدود قرن چهارم تا اول ق.م - ظاهر گردید. محققان بر این اعتقادند که نوشته‌های آرمان‌گرایانه یهود که در قالب مکتوباتی با ادبیات «پیش‌گویانه»^۲ (مکاشفه‌ای) عرضه گردیده‌اند و تدریجاً به متون مقدس آنان افزوده شده‌اند، در فاصله زمانی مذکور به رشته تحریر درآمده است، هرچند که نام اشخاص و انبیای پیشین را در صدر عنوان خود ثبت کرده‌اند. این نوشته‌ها مشحون از مفهوم «نجات» و در پیوند با مفهوم «سلطنت مجدد» و «پادشاهی مقتدرانه یهود» است. اما باید دانست که مفهوم نجات در کتاب مقدس - و بویژه در عهد عتیق - عمیقاً با آرمان‌های قومی یهود پیوند یافته و در پرتو آنها باید تفسیر و تعبیر شود. بسیاری از

1. Messianism

2. Apocalyptic

رسائل، اسفار و مکتوبات عهد عتیق، بویژه کتاب‌های انبیاء، مشحون از نوعی ادبیات منجی‌گرایانه و به سبک و سیاق فرهنگ خاص عبرانیان است. کتاب‌هایی نظیر *ارمیای نبی*، *اشعیای نبی*، *حزقیال*، *دانیال*، *عاموس* و مانند آنها به طور خاص اندیشه نجات قوم یهود را با بیانی نزدیک به هم منعکس می‌سازند. این منجی‌گرایی، آرمان‌گرایی و انتظار «مسیحا»^۱ عمدتاً در قالب پیش‌گویی‌های انبیای بنی‌اسرائیل - یا ادبیات مکاشفه‌ای - عرضه شده و ظاهراً از میان این انبیاء، نخستین کسی که اقدام به کتابت این پیش‌گویی‌ها کرد، «عاموس» بوده است:

«اینک خداوند می‌گوید: ... اسیری قوم خود اسرائیل را خواهم برگردانید و شهرهای مخروب را بنا نموده، در آنها ساکن خواهند شد و تاکستان‌ها غرس کرده، شراب آنها را خواهند نوشید... و بار دیگر از زمینی که به ایشان داده‌ام، کنده نخواهند شد.» (عاموس: ۱۳/۹-۱۵)

در سایر نوشته‌های عهد عتیق نیز مضامین مشابه با فقره مذکور دیده می‌شود:

«خداوند چنین می‌گوید: اینک خیمه‌های اسیری یعقوب را باز خواهم آورد... و ایشان را خواهم افزود و کم نخواهند شد و ایشان را معزز خواهم ساخت و پست نخواهند گردید.» (ارمیا: ۱۸/۳۰-۲۰)

از این جهت یهودیان به آینده‌ای امیدوار بودند که تمامی آرزوها و آرمان‌های آنها را در قالب ظهور «پیروزی مسیحایی» یعنی تجدید همان دوره جلال و شکوه گذشته محقق می‌ساخت. این عبارت از عهد عتیق در میان یهودیان بسیار رواج داشت که بیان می‌کرد:

«اگر چه ابتدایت صغیر می‌بود، [ولی] عاقبت تو بسیار رفیع می‌گردد.» (ایوب: ۷/۸)

^۱. در زبان عبری «مسیح» (*Masih*) به معنای نجات‌بخش و موعود.

اهمیت دوره طلایی گذشته- با تاکید بر دوره پادشاهی داود و سلیمان- به قدری است که تاریخ یهود همواره در صدد احیای آن دوره و حاکمیت مطلق یهود به شکل اسطوره‌ای حرکت کرده و در دوران معاصر نیز به صورت‌های دعاوی ارضی و اشغال سرزمین فلسطین با اهداف سیاسی آشکار و پنهان نمود یافته است. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، هرچند اندیشه نجات و موعودگرایی سابقه طولانی در فرهنگ‌ها و تمدن‌ها دارد، اما اندیشه انتظار مسیحا اصالتاً یهودی است. (کریسون: ۱۳۷۷، ۱۷) زمینه و پشتوانه اصلی نظری «اندیشه مسیحایی» و «نجات بنی‌اسرائیل»، دو اسطوره «تبعید بابلی» و «آزار یهودیان در زمان حاکمیت رومی‌ها» است و این دو عنصر تاریخی ظاهراً بستر مناسبی را برای نوشته‌های پیش‌گویانه عهد عتیق فراهم آورده است. گفته شده که «اندیشه مسیحایی» در عهد عتیق مشخصاً پس از بازگشت قوم از بابل شکل گرفته، با این مضمون که خداوند فرزندى از نسل داود نبی را برانگیخته و او با رهبری و پادشاهی بر بنی‌اسرائیل آنها را از ذلت و خواری نجات داده، به اورشلیم و سرزمین مقدس آنان بازمی‌گرداند. تجدید سلطنت داود چیزی است که در متون مقدس، بشارت آن در قالب مفهوم «سلطنت (ملکوت) خداوند» بیان گردیده و به کرات مصادیق آن را در عهدین می‌توان یافت. به نظر می‌رسد تب‌وتاب اصلی امید مسیحایی یهود، پس از دوره تبعید بابلی و همچنین در ایام ناآرام پس از ویرانی دوم اورشلیم در سال ۷۰ میلادی به دست فرمانروای رومی «تیتوس»^۱ به اوج خود رسیده و حتی جنبه‌های تأویلی کتاب مقدس نیز با گرایش منجی‌گرایانه در همین دوره رونق گرفته باشد. گفته شده که دو کتاب مکاشفه باروک و مکاشفه عزرا- از مجموعه کتاب‌های قانون ثانی- بلافاصله پس از سقوط اورشلیم نوشته شده و بدنبال آن زمزمه‌های آشکار سلطنت مجدد داود بر سر زبان‌ها افتاده است. (همان: ۷۶-۸۰) برقراری سلطنت مجدد داود و تحقق حکومت واحد در ابتدا محدود به سرزمین یهودا (فلسطین) می‌شد ولی در

¹. Titus

نوشته‌های بعدی و متأخر نظیر *اشعیای نبی*، این ایده جنبه فراملی و فرامرزی پیدا می‌کند ولی تأکید شده که مرکز این حکومت همچنان «اورشلیم» و «صهیون» خواهند بود. «اشعیاء» در نوشته‌های خود از تولد کودکی به نام «عمّانوییل»^۱ (به معنای «خدا با ماست» به عنوان نجات‌دهنده بنی‌اسرائیل سخن می‌گوید، (اشعیاء: ۱۴/۷) نامی که بعدها در عهد جدید نیز تکرار شده و مظهر اتحاد جنبه‌های الوهی و ناسوتی در عیسی مسیح تفسیر و تعبیر شده است. (متی: ۲۳/۱) بنا بر روایت اشعیاء، «عمّانوییل» گسترش‌دهنده دامنه پادشاهی داود از منطقه‌ای محدود و معین به قلمرو وسیع‌تری از سرزمین مقدس است که از نقطه‌ای به نام «تپه صهیون» بر تمامی سرزمین فتح شده حکومت خواهد کرد، و البته این پادشاهی به قیمت ریخته شدن خون‌های بسیار تحقق خواهد یافت:

«... زیرا خداوند با آتش و شمشیر خود بر تمامی بشر داوری خواهد نمود و

مقتولان خداوند بسیار خواهند بود». (اشعیاء: ۱۵/۶۶-۱۶)

همانگونه که ذکر شد، هرچند محققان تاریخ نگارش رساله *اشعیاء* و مانند آن را به حدود قرن سوم تا اول قبل از میلاد باز می‌گردانند، اما جالب است بدانیم که «اشعیای نبی» در پیش‌گویی‌های خود، انهدام پادشاهی بابل به دست حکومت فارس را خبر داده و کوروش هخامنشی را «مسیح خدا» که نجات‌دهنده بنی‌اسرائیل از دست بابلیان است، نام می‌نهد. (همان: ۱/۴۵) کتاب *اشعیاء* محور اصلی منابع و نوشته‌های یهودی با محوریت ملی‌گرایی، قوم‌محوری و منجی‌گرایی در ادوار بعدی قرار گرفته است.

اما به غیر از *اشعیاء*، در سایر نوشته‌های عهد عتیق هم مضامین و مصادیق منجی‌گرایانه به اشکال متفاوت عرضه گردیده است. برای نمونه در رساله‌های *حجی* و *زکریا*، شخص برگزیده خداوند و در واقع همان مسیح‌های موعود، «زروبابل» معرفی گردیده است (حجی: ۲۳/۲؛ زکریا: ۶/۴-۱۰) و در رساله ملاکی به عنوان آخرین پیامبر عهد عتیق، چهره جدیدی به عرصه اندیشه مسیحایی قدم می‌گذارد و او همانا «ایلیای نبی»

¹. Immanuel

(= الیاس)^۱ است:

«... اینک من ایلیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد

شما خواهم فرستاد». (ملاکی: ۵/۴)

هموست که فرا رسیدن روز بزرگ خداوند (نجات) و تحقق وعده الهی را بشارت می‌دهد. در منابع یهود، «الیاس» عهده‌دار اقدامات مهمی است که از زمره آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تنظیم تمامی مواد شریعت و تفسیر کتاب مقدس؛
- به قتل رسانیدن «سمائیل» (= شیطان) که سرچشمه تمامی شرور است؛
- اجرای معجزاتی از قبیل: بازگرداندن موسی و بخشی از قوم او نزد بنی‌اسرائیل، زنده کردن قارون و پیروانش، بازگرداندن برخی از لوازم معبد مقدس که به یغما برده شد، نشان دادن عصایی که خداوند به او عطا کرده و بالاخره برانگیختن مسیحا بن یوسف.

فقره اخیر دقیقاً تاثیر خود را در چگونگی معرفی عیسی مسیح در عهد جدید نشان داده است.^۲ به طور کلی می‌توان نشان داد «الیاس» از مهم‌ترین عناصر و شخصیت‌هایی است که بر ادبیات عهد جدید تاثیر گذارده، به طوری که نام او را به کرات در اناجیل و دیگر نوشته‌های عهد جدید ملاحظه می‌کنیم.^۳ در مزامیر نیز جلوه‌های متعددی از اندیشه مسیحایی که در قالب دعا و مناجات تبلور یافته، به چشم می‌خورد. با مقایسه میان متون و منابع یادشده می‌توان نتیجه گرفت که مسیحای منتظر در عهد عتیق، عمدتاً به نام‌ها و عناوین زیر آمده است:

۱- مسیح پسر داود (در کتاب‌هایی نظیر حزقیال و ملاکی)

^۱. Elijah

^۲. برای نمونه در: متی، ۱۶/۱

^۳. برای نمونه در: متی، ۱۴/۱۱، ۱۰/۱۷، ۱۳-۱۰/۱۷ و مرقس، ۱۱/۹-۱۳ و لوقا، ۱۷/۱

۲- بنده خدا (در کتاب اشعیا)

۳- پسر انسان (در کتاب دانیال)

باید توجه داشت که محور اصلی و بنیادین وعده‌های موجود در این ادبیات همانا بازگشت به سرزمین مقدس به دست «داود» و پادشاهی لایزال او بر سرزمین‌های فتح شده است:

«و بنده من داود پادشاه ایشان خواهد بود... و در زمینی که به بنده خود یعقوب دادم و پدران ایشان در آن ساکن می‌بودند، ساکن خواهند شد و ایشان و پسران ایشان و پسران پسران ایشان تا به ابد در آن سکونت خواهند داشت و بنده من داود تا ابدآباد رئیس ایشان خواهد بود... و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود... آنگاه امت‌ها خواهند دانست که من یهوه هستم که اسرائیل را تقدیس می‌نمایم». (حزقیال: ۲۴/۳۸-۲۸)

تاکید و تمرکز بر فتح و گشایش سرزمین‌ها، جلوه‌ای وسیع در مضامین عهد عتیق دارد و می‌توان به جرأت ادعا کرد که موضوع و غایت اصلی وعده‌های این مکتوبات و مضامین آخرالزمانی آنها، چیزی جز غلبه و تسلط بر اراضی دور و نزدیک «سرزمین یهودا» نیست، با ذکر این نکته که مرکز و محور این سلطنت زمینی، دو مکان «اورشلیم» و «صهیون» می‌باشند. توضیح این‌که در مضامین موعودگرایانه این مکتوبات بویژه در کتاب اشعیا، دو اسطوره «اورشلیم» و «صهیون» جایگاه ویژه‌ای دارند، به گونه‌ای که گویی تمامی امیدها و آرمان‌های اجتماعی و مربوط به «ناکجاآباد» (اتوپیا) نویسنده (یا نویسندگان) با ادبیاتی خاص در اسطوره‌های مذکور تجلی می‌یابد:

«زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد و او امت‌ها را داوری خواهد نمود و قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد».

(اشعیا: ۲/۴، ۲۹۰۸/۳۴، ۱۴/۵۱-۱۸)

نمونه‌های مشابه با فقره مذکور در کتاب اشعیا به وفور یافت می‌شود و در کنار اینها، تفوق و برتری مطلق این دو مکان بر سایر بلاد وعده داده شده و علاوه بر

این، در زمان مورد ادعا، بسیاری از طوایف و ملل رقیب مورد تنبیه و مجازات سخت واقع خواهند شد:

«کلامی که اشعیا ابن آموص درباره یهودا و اورشلیم دید- و در ایام آخر واقع خواهد شد- که کوه خانه خداوند بر قله کوهها ثابت خواهد شد و فوق تلها برافراشته خواهد گردید و جمیع امتها به سوی آن روان خواهند شد... زیرا شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد و او امتها را داوری خواهد نمود و قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد». (همان:

(۴-۱/۴۹)

همانگونه که در فقره مذکور مشاهده می شود، غلبه اسطوره‌های یادشده و «داوری خداوند» علیه اقوام دیگر، موضوع اصلی پیش‌گویی آخرالزمانی نویسنده است و درعین حال این معنا جوهره اصلی مفاد آرمانها و شعارهای موعودگرایانه یهودیت در تمامی ادوار بعدی- بویژه در دوران معاصر- است. جای شگفتی نیست که نتایج این سنخ پیش‌گویی‌ها در اعمال و هنجارهای برخی فرقه‌ها مانند صهیونیسم سیاسی خود را متجلی ساخته و زمینه بحران‌های گوناگون بین‌المللی را فراهم آورده است. استناد برخی شعارها و ادعاهای ارضی جریان صهیونیسم، بر مبنای همین تفوق‌طلبی و دست‌اندازی ارضی و حقوقی است که متأسفانه به عباراتی اینچنین ارجاع داده می‌شود:

«از این جهت خداوند را در بلاد مشرق و نام یهود خدای اسرائیل را در

جزیره‌های دریا تمجید نمایید». (همان: ۱۵/۲۴)

نمونه‌های این‌گونه در مجموعه رسائل و مکتوبات عهد عتیق فراوان است، بویژه آن‌که مضامین موعودگرایانه و ادبیات مکاشفه‌ای رایج در میان آنها در عین حال از جوهره‌ای توأم با قهر و خشونت برخوردار است، به‌گونه‌ای که در احوالات آخرالزمانی یهود، سایر طوایف و ملل- غیر بنی اسرائیل- به بدترین مجازات و سخت‌ترین اشکال بلا و رنج مبتلا خواهند شد و در این سو تنها بنی اسرائیل‌اند که مورد توجه و عنایت الهی قرار دارند:

«و با آنانی که بر تو ظلم نمایند گوشت خودشان را خواهیم خورائید و به خون خود مثل شراب مست خواهند شد و تمامی بشر خواهد دانست که من یهوه نجات‌دهنده تو و ولی تو و قدیر یعقوب هستم». (همان: ۲۶/۵۰، ۳۴/۱-۳۵، ۱۲/۱۱-۱۳، ۱۲/۶۱-۱۵)

و نیز:

«زیرا من یهوه خدای تو و قدوس اسرائیل نجات‌دهنده تو هستم...» (همان: ۴-۴/۴۷، ۱-۱/۴۳)

تفصیل، تحلیل و نقد این مطلب- بویژه تبیین نسبت میان موعودگرایی، اندیشه نجات و ایجاد سلطنت مطلق در سنت یهودی با استناد به مکتوبات پیش‌گویانه عهد عتیق، مجال مستقلی را می‌طلبد که امید است در قالب اثر پژوهشی دیگری به قلم نگارنده در معرض دید اهل نظر قرار گیرد.

منابع:

- کتاب مقدس، ترجمه قدیم، انگلستان، چاپ سوم، انتشارات ایلام، ۲۰۰۲.
- کرینستون، جولیوس، *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.
- Heineman, J. *The Messiah of Ephraim*, Harvard University, 1975
- *The Holy Bible*, New Revised Standard Version, Oxford University Press, 1995
- Scholem, G. *The messianic Idea in Judaism*, New York, Schocken, 1971
- Sharot, S., *Messianism, Mysticism and Magic*, Chapel Hill, USA, 1981